

آثار معنوی زکات

<?xml encoding="UTF-8">

در ابتدای نوشتار حاضر که به تبیین برخی فواید و آثار معنوی یکی از واجبات بزرگ و فراموش شده الهی، یعنی زکات می پردازد، یادآوری این نکته لازم است که این حکم و قانون شرعی که سابقه آن به پانزده سال (1) پس از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله می رسد از چنان محجوریتی برخوردار است که همواره در اغلب جوامع ایرانی مورد بی مهری قرار گرفته است!

زکات به عنوان یکی از عوامل مهم برقراری عدالت اجتماعی، مبارزه با جلوه های زشت فقر، تقویت کننده بنیه مالی حکومت اسلامی و پرکننده فاصله های وحشتناک طبقاتی، همواره مورد بی توجهی واقع شده است. در این مجال توجه همه مخاطبان گرانقدر را به چند پرسش از مجموعه سؤالاتی که می توان درباره زکات مطرح نمود، جلب می کنم:

- مگر نه آنکه زکات یکی از ضروریات و مسلمات دین اسلام است؟

- مگر نه آنکه از زکات پا به پای نماز در 27 آیه قرآن نام برده شده است؟

- مگر نه آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، منافقین را از مسجد، اخراج ننمود اما کسانی که زکات اموال خویش را نمی پرداختند از مسجد بیرون کرد؟

- مگر نه آنکه در احادیث بسیاری وارد شده است که نماز اشخاصی که زکات نمی پردازند مورد قبول حق واقع نمی گردد؟ (2)

- مگر نه آنکه بنابر مفاد احادیث اسلامی، دلیل نابود گردیدن اموالی که در دریا و خشکی، دچار حادثه و بلا می شوند، نپرداختن زکات است؟! (3)

آری به راستی که زکات، رتبه ای بس درخشان و پراهمیت در بین انواع بخششها و صدقات دارد و در کلمات بزرگان دین، خواص و آثار فراوانی برای این واجب، بیان گردیده است.

قبل از آنکه در حد گنجایش این نوشتار کوتاه، برخی از آنها را بررسی کنیم، جا دارد به جایگاه واقعی این تکلیف الهی که همواره در قرآن پایه پای نماز از آن نام برده شده و بدان توصیه گردیده، نظری گذرا داشته باشیم.

الزام به نماز و زکات، که همواره در تمام ادیان مورد توجه بوده اند امری عقلی است؛ زیرا نماز به معنای اظهار تواضع و کرنش در برابر حق و زکات به معنای پرکردن کاستیها و ناهمواریهای موجود در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است؛ بدین سان که ضرورت این دو مطلب را عقل به خوبی درک می کند.

عقل ما به تنهایی این مطلب را می فهمد و می داند که بایستی در برابر خالقِ قادر و هستی بخش خویش سر تعظیم و خضوع فرود آورد و در برابر نمادهای فقر مادی در جامعه، دیگر گرا بوده و در این جهت بی تفاوت نباشد. نه تنها عقل بلکه انسان با فطرت پاک خویش این دو حقیقت را می یابد. (4)

بنابراین آیاتی از قبیل «أَقِمْوا الصلوة و آتوا الزکاة» ارشاد و اشاره به حکم عقل دارند و در واقع دو حکم عقلی را مورد تأیید، تاکید و امضاء قرار می دهند. هر چند در ادیان مختلف، این دو امر مهم (زکات و نماز) دارای مصادیق گوناگونی بوده اند؛ لیکن مصداق اکمل آنها در دین مبین اسلام می باشد.

برخی فواید و آثار زکات

1- پیش گیری از جلوه های دردناک عذاب اخروی:

چنانکه از آیات و احادیث متعددی به دست می آید، یکی از آثار معنوی قابل توجه پرداخت زکات، پیش گیری از عذابهای گوناگون الهی در قیامت است. در این مجال به برخی از آیات و احادیث در این باره اشاره می کنیم.

«و لایحسبنّ الذین یبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شرٌّ لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة و لله میراث السماوات و الارض و الله بما تعملون خبیر» (5)

این آیه به بیان سرنوشت انسانهای بخیل در روز رستاخیز پرداخته و می گوید کسانی که همواره از انفاق کردن در راه خدا خودداری کرده و از آنچه خداوند از فضل و کرم خود بدانها عنایت نموده به دیگران کمک نمی کنند تصور نکنند که این کار آنها به نفعشان است، بلکه این را بدانند که به زودی اموالی که آنها بخل ورزیده اند به گردن آنان مانند طوقی آویخته خواهد شد.

هر چند در ظاهر این آیه نامی از زکات به میان نیامده است، اما در احادیث اسلامی و کلمات مفسران، آیه فوق به کسانی اختصاص داده شده که از پرداخت زکات اموال خویش خودداری می ورزند. (6)

نکته قابل توجه در این آیه، قانون «تجسم اعمال» است که خدای متعال بدان تصریح نموده و با تعبیر «سیطوقون» به انسانها فهمانیده است که تجسم آخرتی پرداخت نکردن زکات اموال، این است که به صورت زنجیر و طوق به گردن انسان آویخته می شود؛ زیرا اگر اموال انسان از حد معینی بگذرد با توجه به این که بهره وری از آنها محدود به حدود مشخصی می باشد، در آن صورت برای انسان نحوه ای اسارت، بردگی و سنگینی به دنبال خواهد داشت که تجسم حقیقی آن در رستاخیز، همان طوق اسارت است.

چنانکه در تفسیر عیاشی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن بزرگوار فرمود:

«شخصی که زکات مال خود را نپردازد خداوند مال او را به طوقهایی از آتش مبدل می سازد و سپس به او خطاب می شود: "همان طور که در دنیا حاضر نبودی به هیچ قیمتی آنها را از خود جدا کنی اکنون نیز آنها را به گردن خویش بیاویز!"» (7)

همچنین در احادیث مختلف از معصومان علیهم السلام به چنین واقعیتی تصریح شده است. به عنوان نمونه محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم که مراد از «سیطوقون ما بخلوا به یوم القیامة» چیست؟ حضرت فرمود:

«هر انسانی که از پرداخت زکات خودداری نماید، خداوند در روز جزا برای او یک افعی (اژدها) از جنس آتش قرار می دهد که بر گردن او مانند طوقی آویخته می شود و همواره از گوشت بدن او تغذیه می کند تا آن شخص از حسابرسی آن صحنه فارغ شود.» (8)

در حدیث دیگری آمده است که امام پنجم فرمود:

«خدای متعال در روز قیامت انسانهایی را از قبر برمی انگیزد در حالی که دستهای آنان بر گردنهایشان گره خورده است به گونه ای که توانایی برداشتن هیچ چیز سبک را نیز ندارند، همراه آنان فرشتگانی هستند که پیوسته آنها را سرزنش نموده و می گویند: "اینها کسانی هستند که از مال بسیاری که خداوند به آنها ارزانی داشته بود حق خدا را نپرداختند."» (9)

2- جلب رحمت و عطوفت فراگیر الهی:

از برخی آیات قرآن و احادیث استفاده می شود که خدای متعال برخورد لازم نموده که بر دهندگان زکات، سایه رحمت خویش را بپفکند و آنها را مورد عنایات خاص خود قرار دهد. (10)

به عکس، در برخی احادیث نیز آمده که خداوند بر خود لازم نموده کسانی که حق او را در اموال خود نپرداخته اند مشمول رحمت بی نهایت خویش قرار ندهد. (11)

3- پیش گیری از طوفان غضب و خشم الهی:

در بعضی احادیث آمده است که دهندگان زکات از غضب ذلت آمیز خداوند در امان بوده و این کار شایسته آنان زبانه های خشم خداوند را در ساحل آرامش و خاموشی فرو می نشاند. (12)

4- پیش گیری از کفر، شرک و سلب ایمان:

از آنجا که کفر دارای مراتب و درجات گوناگونی می باشد در یکی از آیات قرآن کسانی که زکات نمی پردازند متهم به «کفر به آخرت» و «شرک به خدا» شده اند. (13)

بدین معنا که چنین اشخاصی با این بی توجهی به زکات که یکی از احکام ضروری دین است، در واقع به خدا شرک ورزیده، منکر قیامت و آخرت گردیده و از آن روی گردان شده اند.

درباره مضمون عجیب این آیه از دیر باز در بین مفسران قرآن، احتمالات متعددی مطرح بوده است؛ زیرا برای همه، جای این سؤال بوده که مگر نه آنکه زکات یکی از فروع دین اسلام می باشد، پس چه توجیهی می توان داشت بر این که ترک کننده آن، کافر یا لاقول مشرک باشد؟!

برای این سؤال، پاسخهای متعددی می توان بیان داشت. ما دو پاسخ را بیان می کنیم:

الف. مراد از «زکات» در این آیه همان مفهوم عمومی آن یعنی «انفاق» است، و ترک کننده انفاق که مشرک نامیده شده بدان جهت است که انفاق مالی در راه کسب رضایت خدای متعال یکی از بهترین و واضح ترین نشانه های ایثار و عشق و محبت به خدا می باشد؛ چه آنکه اموال در چشم انسانها بسیار عزیز و پراهمیت است و ترک انفاق مال می تواند در اغلب موارد به عنوان یک شاخص برای شرک و ایمان محسوب گردد؛ تا بدانجا که برخی از انسانها، اموال خود را تا سر حد جان یا بیش تر از آن دوست دارند و حاضر به هیچ گونه انفاقی نیستند.

ب. زکات در بین دستورات اسلامی از موقعیت خاصی برخوردار است. از یک سو توجه به آن می تواند علامت به رسمیت شناختن حاکمیت اسلامی در جامعه باشد و از سوی دیگر بی توجهی و ترک نمودن آن می تواند در بیش تر موارد به عنوان یک سرکشی علیه حاکمیت اسلامی به شمار آمده و موجبات کفر شخص را فراهم سازد. (14)

چنان که در برخی تفاسیر می خوانیم که پس از رحلت غم انگیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گروهی به نام «اصحاب رده» اعلان کردند که ما نمازهایمان را می خوانیم ولی اجازه نخواهیم داد اموالمان با پرداخت زکات مورد غضب قرار گیرد!

پیرو این سخنان بیهوده، مسلمانان دیگر تصمیم به جنگ با آن گروه را در سر پروراند و این گفته آنان را دلیل بر ارتدادشان گرفتند. (15)

در احادیث بسیاری نیز وارد شده که تارک زکات مرتکب کفر به خدای متعال گردیده و از او سلب ایمان و ارزش می شود. (16) به عنوان نمونه به این حدیث توجه کنید:

نبی اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از وصیتهای خود به حضرت امیر علیه السلام فرمودند:

«ای علی! ده گروه از امت من به خدای بزرگ کفر ورزیده اند.»

آنگاه یکی از آن ده گروه را ترک کنندگان زکات نام برده و سپس فرمود:

«ای علی! کسی که ذره ای از زکات اموالش را نپردازد مؤمن نیست و در درگاه الهی دارای ارزش نمی باشد.» (17)

5 - پیش گیری از اظهار ندامت و تقاضای فرصتی مجدد در هنگام حسابرسی:

یکی از آیات تکان دهنده قرآن که بنابر تفسیر ائمه معصوم علیهم السلام مربوط به ترک کنندگان زکات است آیه ذیل می باشد:

«زمانی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید مرا به دنیا بازگردانید تا کوتاهیهای گذشته خود را جبران کنم، ولی مسلماً چنین نخواهد بود و این درخواست آنان، تنها بر زبانشان جاری شده و از دل برنخاسته است.» (18)

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«کسی که زکات اموال خود را نپردازد هنگام مرگ آرزوی بازگشت به دنیا را می کند و این همان معنای کلام الهی است که «إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعوني لعلني أعمل صالحا فيما تركت ...» .»

6 - پدید آمدن حالت کرامت و بزرگواری برای نفس و برکت در اموال:

دهنده زکات با ایثار مالی خود در واقع از یک سو به نوعی کرامت و بزرگی دست می یابد که در دیدگاه بزرگان علم اخلاق به عنوان یکی از صفات شایسته و یکی از فضایل مهم نفسانی به شمار می آید، (19) و از سوی دیگر با این عمل شایسته خود، برکات الهی را به سوی اموال خویش سرازیر می سازد. (20)

7 - پیش گیری از بخل:

یکی از صفات زشت اخلاقی که همواره انسان را به سوی سقوط می کشاند، صفت بخل به معنای «بسته بودن دست انسان در امور مالی» است. بدین سان که انسان حاضر نباشد از مال خود خرج نموده و به دیگران نفعی برساند. (21)

بنابر تصریح احادیث، یکی از آثار معنوی پرداخت زکات، از بین بردن ریشه های بخل از درون دل و کاشتن نهال زیبا و با برکت سخاوت به جای آن می باشد. (22) در این جا دو نمونه از این احادیث را بیان می کنیم:

الف. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بخیل کسی است که از دادن زکات واجب اموال خود خودداری ورزد.» (23)

ب. حضرت امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوار خود و آنها از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده اند:

«زمانی که خدای متعال برای بنده ای از بندگان خود "خیر" بخواهد دست عنایتش را به واسطه برخی از ملکوتیان بر روی سینه او گذارده و با پرداخت زکات او را مزین به صفت سخاوت می گرداند.» (24)

8 - حسرت اهل محشر به دهنده زکات:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که زکات مال خویش را به مستحقان آن بپردازد و نماز خود را صحیح اقامه کند، و پس از آن با ریاکاری و کارهای منفی و ناشایست، آنها را از بین نبرد، در روز قیامت به گونه ای محشور می گردد که تمام انسانهایی که در

محشر هستند بر او حسرت خورده و سپس نسیم و رائحه خاص بهشتی، چنین شخصی را به والاترین قصرهای بهشتی در جوار «محمد و آل محمد» هدایت نموده و در آنجا استقرار خواهد یافت.» (25)

9- صدق عنوان «نیکوکار» بر دهنده زکات:

قرآن در یکی از آیات خود، در زمره مهم ترین و اصلی ترین اصول نیکی و احسان، زکات را محسوب نموده و به صراحت اعلان داشته که یکی از مواردی که عنوان «پر» بر آن صدق می کند، پرداخت حقوق مالی واجب در قالب زکات است. (26)

10- پذیرش نماز مشروط به پرداخت زکات:

در احادیث بسیاری آمده است که شرط قبول گردیدن نماز در درگاه خدای متعال، پرداخت زکات می باشد. (27) به دو حدیث ذیل توجه کنید:

الف. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

«زمانی که آیه زکات «خذ من اموالهم صدقة تطهرهم و تزكیهم بها» در ماه مبارک رمضان از سوی خداوند نازل گردید، نبی اکرم صلی الله علیه و آله به فرستاده خود فرمان داد که در بین مردم اعلان نماید که خدای متعال بر شما زکات را واجب گردانیده همچنان که نماز را نیز واجب کرده است، پس ای مسلمانان! زکات اموال خود را بپردازید تا نمازهای شما مورد قبول حق واقع گردد.» (28)

ب. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که زکات مال خود را نپردازد به نمازهای او دستور داده می شود که به سوی او بازگردد، سپس آنها به سوی او بازگردانده شده و به صورت او زده خواهد شد و به او گفته می شود: "ای بنده خدا! با نماز بدون زکات چه می کنی؟!"» (29)

11- اعطاء هدایا و مواهب خاص بهشتی:

از دیدگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی دیگر از آثار معنوی زکات، آن است که اگر انسان با هدف جلب رضایت خدای متعال، دست به چنین کاری بزند، در برابر هر ذره ای که به عنوان زکات به فقرا پرداخت کرده است، قصری از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجد، زمرد، جواهر و نیز قصری از نور خاص پروردگار هستی به او عنایت می گردد. در انتهای این حدیث شگفت انگیز آمده است: هنگامی که مسلمانان، این وعده های روحبخش را از پیامبر شنیدند، در پاسخ گفتند: ای رسول خدا! ما این توصیه شما را حتما به گوش جان می خریم و زکات مال خود را همواره پرداخت خواهیم کرد. (30)

12- شکرگذاری منعم:

از دیدگاه احادیث، پرداخت زکات که یک عبادت مالی به شمار می آید در واقع، شکرگذاری مالی دهنده زکات در مقابل آن معبودی است که همیشه از مواهب گسترده خود، وی را بهره مند ساخته است؛ همچنان که انواع عبادات بدنی مانند روزه و نماز به عنوان شکرگذاری جسمی انسان در برابر نعمت جسم، تلقی می گردد. (31)

13- پیش گیری از بدحالی در قیامت:

دهندگان زکات بایستی این مزده را دریافت نمایند که یکی از آثار ارزنده پرداخت زکات، نجات یافتن از پریشانی و اضطراب توصیف ناپذیر اخروی می باشد؛ زیرا مطابق آنچه از برخی احادیث استفاده می شود زمانی که زکات اموال، پرداخت نمی شود حال بی نیاز و نیازمند، پریشان و نامطلوب می گردد.

راوی می گوید از امام سؤال کردم:

«حال فقیر به سبب آن که حق او داده نشده بد می شود، ولی حال شخص بی نیاز چرا بد می گردد؟! امام در پاسخ فرمود:

«شخص بی نیازی که از پرداخت زکات مال خود خودداری ورزد حال او در قیامت، بد و پریشان می گردد، نه در دنیا.» (32)

14 - پیدایش رحمت و عطوفت به نیازمندان:

بنابر مضمون برخی احادیث، پرداخت زکات در ایجاد رحمت و رأفت نسبت به نیازمندان مؤثر است. بدین معنا که با انجام این فریضه مالی به صورت خواسته یا ناخواسته، روزه های مهربانی، صفا و صمیمیت در بین بندگان خدا گشوده خواهد شد. (33)

15 - دقت نکردن در حسابرسی مالی دهنده زکات در محشر:

از آثار معنوی نوید بخش برای کسانی که توفیق انجام تکلیف زکات را پیدا می کنند این که در هنگام حسابرسی قیامت - که از سخت ترین و وحشتناک ترین اوقات برای اکثریت بندگان الهی محسوب می گردد - با دقت نظر و پرسشهای پی در پی مأموران الهی رو به رو نخواهند شد. (34)

16 - پیش گیری از مردن در حالت یهودیت یا نصرانیت:

در برخی از احادیث آمده است:

«کسانی که ذره ای از زکات را نپردازند در لحظات تلخ و ناگوار احتضار که برای بیش تر افراد، خروج روح از بدن با سختیها و تلخیهای توصیف ناپذیری همراه است، از سوی مأموران الهی به او گفته می شود: مرگ برای تو حتمی است، اما یهودی یا نصرانی مردن را خودت انتخاب نما!» (35)

17 - پیش گیری از هفتاد نوع مصیبت:

حضرت امیرمؤمنان علیه السلام از نبی گرامی صلی الله علیه و آله نقل فرمود که رسول خدا هفتاد مصیبت و بلا، از جمله سوختن در آتش، غرق گردیدن در آب و دیوانگی را به زبان آورد و فرمود: تمام اینها با دادن زکات، مرتفع می گردد. (36)

18- پیش گیری از لعن و نفرین الهی:

از دیگر آثار معنوی زکات که در سخنان نورانی نبی گرامی اسلام منعکس است آن که کسانی که زکات مال خود را پرداخت کنند از لعن خداوند در امان خواهند بود. (37)

19- پیش گیری از شُحّ نفس:

عمل خدایسندانه زکات از دیدگاه احادیث می تواند از پدید آمدن یکی از حالات بسیار منفی و خطرناک به نام «شُحّ» در انسان جلوگیری کند.

شُحّ، مرتبه بالاتر و تندتر از صفت ناپسند «بُخل» را می گویند که اگر کسی واجد آن باشد به او «شَحیح» گفته می شود.

شَحیح به کسی می گویند که تمام آرزوی او آن است که کلیه نعمتهایی که خدای متعال به دیگر بندگان عطا کرده، برای او باشد و هیچ کسی جز او از هیچ یک از مواهب و نعم الهی بهره مند نگردد.

چنین حالتی موجب می گردد که انسان تا لحظه مرگ از رزق و برقی مال دنیا سیر نگردیده و به هر آنچه خدا به او عطا کرده نیز قانع نباشد. (38)

20- پیش گیری از مجازات عصر ظهور ولی عصر علیه السلام :

بنا بر مفاد برخی احادیث، پس از ظهور با برکت حضرت ولی عصر علیه السلام ترک کنندگان زکات از سوی حکومت اسلامی به مجازات خویش رسیده و گردنهای آنان زده خواهد شد. (39)

21- ابزار سنجش عشق و محبت راستین:

انسان چگونه می تواند ادعای عشق و علاقه به خالق محبوب خویش داشته باشد و در عین حال به مظاهر گوناگون دنیا، علاقه مند باشد، به گونه ای که نتواند از بخشی از اموال خود در راه رضای دوست، چشم پوشی نماید.

پس در حقیقت پرداخت کنندگان زکات، با این عمل شایسته و پرمعنای خود می توانند ادعای عشق ورزی خود به معشوق را در مرحله عمل به اثبات برسانند.

از برخی کسانی که در این ادعای خویش کاملاً صداقت داشته اند پرسش کرده اند که در هر صد درهم چه اندازه زکات واجب است؟

پاسخ داد: بر توده های مردم، همان مقدار شرعی؛ یعنی از صد درهم، پنج درهم، ولی بر ما دادن همه اموال در راه دوست لازم است.

چنان که از صادق آل محمد علیه السلام نیز همین پرسش صورت گرفت و ایشان فرمود:

«زکات شرعی فلان مقدار است، اما در واقع تو باید این گونه باشی که هر مقدار که برادر مؤمنت بدان نیازمند باشد، برای او آماده نمایی و در برابر او بی اختیار باشی!» (40)

پی نوشت ها :

1- ر.ک: تفسیر نمونه، ج 20، ص 216.

2- بحارالانوار، ج 93، ص 8 و 9، حدیث 4 و ص 12، ح 17 و ص 29.

3- ثواب الاعمال، ص 535، ح 8؛ بحارالانوار، ج 93، ص 20، ح 45.

- 4- فرق است بین دانستن و یافتن، دانش، کار عقل و یافتن کار فطرت است.
- 5- سوره آل عمران (3) آیه 180.
- 6- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 207 و 208؛ بحار، ج 93، ص 20، ح 46؛ ثواب الاعمال، ص 52 و 53 و ح 2 و 3.
- 7- تفسیر نمونه، ج 3، ص 190 و 191.
- 8- ثواب الاعمال، ص 529، ح 1.
- 9- همان، ص 529، ح 2.
- 10- به عنوان نمونه ر.ک: سوره اعراف (7) آیه 156؛ سوره توبه (9) آیه 71.
- 11- وسائل الشیعه، ج 6، ص 4 و 5، ح 6.
- 12- بحار، ج 93، ص 20، ح 44 و ص 27، ح 57 و ص 15، ح 31.
- 13- سوره فصلت (41) آیات 6 و 7.
- 14- تفسیر نمونه، ج 20، ص 216 و 217.
- 15- تفسیر ابوالفتوح، ج 10، ص 9.
- 16- وسائل الشیعه، ج 6، ص 18 - 20، احادیث 1 - 9؛ بحار، ج 93، ص 29 و ص 11، ح 12.
- 17- وسائل الشیعه، ج 6، ص 18 و 19 و ص 11، ح 12.
- 18- سوره مؤمنون (23) آیه 99 و 100.
- 19- الاخلاق، حسین مظاهری، ج 1، ص 435.
- 20- مجمع البیان، ج 1، ص 97؛ بحار، ج 93، ص 5.
- 21- وسائل الشیعه، ج 6، ص 22، ح 1.
- 22- وسائل الشیعه، ج 6، ص 20، ح 1 - 5 و ص 7، ح 1.
- 23- بحار، ج 93، ص 16، ح 34.
- 24- بحار، ج 93، ص 19، ح 43 و ص 25، ح 57.
- 25- همان، ص 8، ح 4.
- 26- سوره بقره (2) آیه 177.
- 27- الخصال، شیخ صدوق، ج 1، ص 55؛ بحار، ج 93، ص 29، سطر 7 و 8 و 9 و ص 12، ح 17.
- 28- وسائل الشیعه، ج 6، ص 3، ح 1.
- 29- بحار، ج 93، ص 8 و 9، ح 4.
- 30- وسائل الشیعه، ج 6، ص 13، ح 11؛ بحار، ج 93، ص 16، ح 33.
- 31- معراج السعادة، ص 319.
- 32- وسائل الشیعه، ج 6، ص 13، ح 11؛ بحار، ج 93، ص 16، ح 33.
- 33- عیون الاخبار، ج 2، ص 57.
- 34- بحار، ج 93، ص 19، ح 42.
- 35- وسائل الشیعه، ج 6، ص 18، ح 5؛ ثواب الاعمال، ص 534، ح 7؛ بحار، ج 93، ص 20، ح 47.
- 36- بحار، ج 93، صفحات 23 و 24، ح 56.
- 37- دعائم الاسلام، ص 247 - 248.

- 38- وسائل الشيعة، ج 6، ص 22، ح 9 و 10.
- 39- ثواب العمال، ص 535، ح 8؛ بحار، ج 93، ص 21، ح 48.
- 40- معراج السعادة، ص 319.